

جمعی از هواداران سازمان فداییان خلق ایران- اکثریت(داخل کشور) برای توقف جنایت های رژیم متحد شویم!

Mon 31 05 2010

بار دیگر ماشین کشتار جمهوری اسلامی بکار افتاده است. بدنبال اعدام پنج تن از زندانیان سیاسی فرزاد کمانگر، علی حیدریان، فرهاد وکیلی، شیرین علم هولی و مهدی اسلامیان در 19 اردیبهشت امسال، دادستان تهران از تأیید شش حکم اعدام دیگر خبر داده است. هم اینک خطر اعدام جان زندانیان سیاسی احمد دانشپور مقدم، محسن دانشپور مقدم، عبدالرضا قنبری، محمدعلی صارمی، جعفر کاظمی و محمدعلی حاجی آقایی را تهدید میکند.

جمهوری اسلامی چند ماه پیشتر نیز احسان فتاحیان و دو زندانی سیاسی دیگر به نامهای محمدرضا علی زمانی و آرش رحمانیپور را اعدام نموده بود. ما در اعتراض به این جنایتها، هم صدا با تمامی انسانهای آزادیخواه ایران و جهان، اعدام پنج زندانی سیاسی در بند را محکوم میکنیم. ما معتقدیم تمامی این جنایتها نه از اقتدار بلکه ناشی از ترس و یاسی است که سران جمهوری اسلامی را در بر گرفته است.

اعدام شدگان که به گفته مقامات جمهوری اسلامی، تنها اتهامشان عضویت در گروههای سیاسیای بوده است، که از نظر دولت ایران غیرقانونی تلقی میشوند، به سیاق سنت رایج در سی سال حکومت جمهوری اسلامی بدون آنکه از حق دادرسی عادلانه بهره مند باشند، به جوخههای اعدام سپرده شدند.

در آستانه 22 خرداد، سالگرد دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری که با تقلبهای گسترده همراه بود. رژیم از ترس اعتراضات مردمی با اعدام فعالین سیاسی دریند، میخواهد زهر چشمی از مخالفین گرفته باشد. تا آنان را از ادامه مبارزات خویش بازدارد. موج جدید اعدامها پیامی است به مخالفین حاکمیت و معترضین به وضع موجود، تا به صراحت به آنها بفهماند که دستگاه ولایت فقیه هیچ گونه اعتراض و مخالفتی را برنخواهد تافت. این اعدامها در شرایطی پیگرفته میشود که مبارزات مردمی پس از تنشهای انتخاباتی، از سطح به عمق ریشه میدواند، میرود تا خواستهای اقشار فرودست جامعه، کارگران، معلمین، دهقانان و سایر زحمتکشان، و همچنین خواستهای فعالین ملی و قومی را با خواستهای جنبش اعتراضی پیوند دهد. حاکمیت مستبد و ارتجاعی ولایت برای تحکیم پایههای خود و برای ارضای علایق سیاسیش احکام قضائی صادر میکند. تا به زعم خود با ایجاد فضای رعب و وحشت صدای اعتراضات مردمی را در سراسر کشور و خصوصاً در مناطق ملی خفه سازد. غافل از آن که آب رفته دیگر به جوی باز نخواهد گشت، و اعتراضات مردمی با این اقدامات مذبوحانه و جنایتهای تکراری خاموش نخواهد شد.

رژیم که برای گرفتن زهرچشم از معترضین و خصوصاً سبزهها دست به اعدام کردها زده بود، با واکنش گسترده ایرانیان و جهانیان مواجه گشت. واکنشها به اعدامهای سیاسی ۱۹ اردیبهشت، امیدوارکننده و قابل توجه بوده است. پس از سی سال برای نخستین بار در برابر اعدامها و جنایاتی که در زندانهای جمهوری اسلامی ایران رخ میدهد، شاهد شکلگیری اعتراضات یکپارچه احزاب و سازمانهای چپ، دمکرات و مدافعین حقوق بشر در کشورمان و در فراتر از مرزهای کشورمان بودیم. فراخوان مشترک ۹ حزب و سازمان سیاسی سراسری و منطقهای از جمله اقدامات مشترکی است که آنرا بایستی بفال نیک گرفت.

با اعدامهای صورت گرفته که اکثر آنان را فعالین گرد تشکیل میدادند، مرکز ثقل تحولات و قلب اعتراضات به کردستان انتقال یافت. کردستان که در سی سال گذشته شاهد کشتار بیرحمانه فرزندان خود بوده، همواره سنگری برای آزادیخواهی و تحولاتی در کشورمان بشمار میرفته است. آنها که امروز معترضین را سلاخی میکنند و برای مبارزین کرد و فعالین سیاسی کشورمان حکم اعدام صادر میکنند، اعضای همان جوخههای ترور و کشتاری هستند که طی سی سال گذشته با کشتار خلق کرد آموزش دیدهاند. جمهوری اسلامی طی سی سال کردستان را به آزمایشگاهی برای آموزش نیروهای خود تبدیل کرده بود.

علیرغم تمامی کشتارها و جنایتها، مردم کردستان و نیروهای سیاسی منطقهای دست به حرکتی بیبدیل زدند. اعتصاب سراسری مردم کردستان در اعتراض به کردکشی رژیم، بزرگترین اقدام در نوع خود پس از انقلاب در کشورمان بشمار میرود. تجربهای موفق که میتواند درسی آموزنده برای نیروهای سیاسی و خصوصاً سبزهها و اتاق فکر آنان

باشد. اگر سران سبزه‌ها پس از تظاهرات میلیونی 25 خرداد بجای چشم دوختن به خیرات رهبری و خالی کردن خیابانها در نماز جمعه 29 خرداد، مردم را به ادامه مبارزه و حضور در خیابانها و برگزاری اعتصابات عمومی دعوت مینمودند، مطمئناً امروز این چنین در تنگنا قرار نمیگرفتند.

اعتصاب سراسری و موفق مردم کردستان رژیم را با شکل مبارزه جدیدی روبرو ساخته که براحتی قابل مهار نیست. اعتصاب عمومی کردستان زخمی است کاراً بر پیکر رژیم، تجربهای که اگر در ابعاد ملی بکار بسته شود برای بقای حکومت فقها فاجعه بار خواهد بود. از اینرو احتمال انتقام گیری از مردم کرد دور از انتظار نیست.

هر چند فقدان تک-تک جانباختگان جنبش آزادیخواهی و عدالت طلبی کشورمان قابل جبران نیست. اقدام جنایتبار حکومت در اعدام اخیر زندانیان سیاسی که با هدف سرکوب و فرونشاندن جنبش اعتراضی مردم کشورمان صورت گرفته، به سلاحی بُرنده علیه خود حاکمیت تبدیل گردیده است. جنایت اخیر رژیم پیامدهایی نیز برای جنبش دمکراتیک کشورمان داشته است. از آن جمله میتوان موارد زیر را برشمرد:

- نزدیکی و تمایل نیروهای سیاسی کشورمان برای اقدام مشترک
- هم دردی مردم سراسر ایران با مردم کردستان
- فرو ریختن دیوار بی اعتمادی بین کردستان و سایر بخشهای ایران
- برداشتن گامهایی توسط احزاب و سازمانهای کرد برای حذف کینه و دشمنی و فرو نشاندن نهال اتحاد و همکاری بجای آن. اتحاد همه نیروهای سیاسی کردستان سراغازیست برای همایش گسترده ملی ما.
- ارائه شکل جدیدی از اشکال مبارزه با اعتصاب عمومی
- برآمد مرکز ثقل جدیدی خارج از حکومت در رهبری جنبش اعتراضی کشورمان
- تزریق خودباوری و امکان خودیابی برای نیروهای چپ و دمکرات کشورمان برای تأثیر گذاری در جنبش دمکراتیک کشورمان و بعهدہ گرفتن نقشی مستقل در رهبری جنبش
- جلب افکار عمومی و کسب حمایت آزادیخواهان و فعالین حقوق بشری جهان از جنبش اعتراضی کشورمان و اعتراض به جنایات رژیم در ابعاد جهانی

برای پیروزی جز باز کردن جبهه های مختلف راهکار دیگری قابل تصور نیست. بایستی تجربهای جدید را بکار گرفت و با تلفیق اشکال مختلف مبارزه در شرایط متفاوت رژیم را فلج و زمینگیر ساخت. تجربه نشان داده است که تمسک به شیوهای واحد همچون استفاده از راهپیماییهای دولتی برای رساندن صدای اعتراضی مردم چارهساز نخواهد بود. و رژیم هرچند با تحمل هزینههای سنگین راهکارهایی را برای مقابله با آن خواهد یافت. حکومت های دیکتاتوری وقتی فرو می پاشند که سیستم اداری و اقتصادی آن ها فلج شوند و فلج شدن سیستم اداری و اقتصادی غالباً با اعتصابهای توده‌ای محقق میشود. لازم است برای راهاندازی اعتصابات توده‌ای نیروهای خود را متحداً بسیج نمائیم. همچنین برای نیروهای انقلابی و دمکراتیک کشورمان در شرایط کنونی هیچ راهکاری جز بسط و تشدید مبارزه در اشکال متنوع آن باقی نمانده است. و تشدید مبارزه تنها راه برای جلوگیری از ادامه کشتارهای حکومت اسلامی است. بایستی عرصه مبارزه را متنوعتر و گستردهتر نمود، با به جریان انداختن پرونده جنایتهای رژیم در دادگاههای بین‌المللی کیفری به اتهام جنایت علیه بشریت، با افشای ابعاد جنایتهای صورت گرفته در افکار عمومی جهان، با ترغیب سازمانها و نهادهای حقوق بشر برای رسیدگی به این جنایتها و انتشار گزارشات خود در ابعاد جهانی، با برگزاری همایشهای اعتراضی در برابر سفارتخانههای رژیم در کشورهای جهان و در برابر نمایندگیهای سازمان ملل متحد و ... عرصه را چنان بر سردمداران حکومت تنگ نمود که امکان مانور و ابتکار عمل را از آنان ستاند. سران رژیم بایستی از مسافرت به سایر کشورهای جهان احساس ناامنی کنند. کسانی که بعنوان آمر و عامل در سرکوب مردم ایران مشارکت داشته‌اند بایستی به محض خروج از کشور به اتهام جنایت علیه بشریت دستگیر شوند.

آنها که امروز سکوت کرده اند، بایستی بخاطر داشته باشند که فردا در سرکوب آنها کسی باقی نخواهد ماند تا اعتراض کند و یا در مرگشان گریه سرکند. بیایید فارغ از تعلقات گروهی برای آزادی زندانیان سیاسی و توقف ماشین کشتار جمهوری اسلامی متحد شویم. کسانی که به هر دلیلی در مقابل چنین خواستی بایستند و یا از شکل گیری چنین جنبشی دوری گزینند، بدون هیچ تعارفی با جمهوری اسلامی در کشتار فرزندان کشورمان مشارکت مینمایند. هم اینک که جنایت رژیم و اقدام شجاعانه مردم کردستان فرصتی را برای زدودن آثار منحوس خودستیزی و ایجاد پیوندهای بنیادین را فراهم ساخته، برماست بیاس بزرگداشت خون یاران بخون خفته خود در طی سه دهه حاکمیت ارتجاع مذهبی و برای رهائی مردم کشورمان از زیر چنین ستم و خفتی دست اتحاد بسوی یکدیگر دراز نمائیم. با احترام به اختلافات و با انتقاد از اشتباهات، بی آنکه به حذف و اختفای مکانیکی اختلافات و تفاوتها مبادرت ورزیم، زمینهای همپیموندی و اتحاد را بارور سازیم. امری که نیاز مبرم امروز ماست. چپ کشورمان اگر میخواهد بسان انقلاب 57 محذوف واقع نگردد، و متناسب با وزن و اعتبار خویش سهمی از قدرت، و نقشی در تحولات سیاسی کشورمان داشته باشد، بایستی به اتحاد و همبستگی اردوی چپ با احترام به تنوع موجود در صفوفاش بیایدیشد. بایستی باور داشت هیچیک از نیروهای چپ به تنهایی قادر به ایفای چنین نقشی نیست. اگر میخواهیم نیروی خاموش ولی بالقوه

چپ را بحرکت و بفعل در آوردیم، هر اقدام نیروهای چپ در راستای شکلگیری اتحاد بزرگ چپ، طراوت و شادابی، و تحرک و رزمندگی را به اردوی چپ تزریق خواهد نمود. امروز هر اقدامی که آگاهانه و ناآگاهانه مانع شکلگیری چنین روندی گردد، خواسته و ناخواسته به تقویت و بقای جمهوری اسلامی یاری خواهد رساند. این اقدام به هر رنگی از رادیکالیسم و دمکراتیسم هم که ملون گردیده باشد مطمئناً طرفی از موفقیت نخواهد بست. و چالشگران چنین خطی دیر یا زود مطرود نیروهای چپ داخل و خارج از کشور واقع خواهند گشت.

چپ کشورمان امروز نه تنها بایستی بتواند زمینهای گفتگو و همکاری را در بین خود گسترش دهد، بلکه بایستی برای تسری آن در بین صفوف سایر نیروهای دمکرات و انقلابی هم تلاش ورزد.

جمعی از هواداران سازمان فداییان خلق ایران- اکثریت(داخل کشور)

9/3/1389